



IBORNA

پیشنهادی برای افزایش ظرفیت «دیپلماسی فرهنگی»

## همدستی فرهنگ و سیاست

سریال‌های تاریخی تلویزیون چه کار کرده‌ای برای جامعه ایرانی می‌توانند داشته باشند؟

لیلیا داودی

بررسی سریال‌های پرمخاطب تلویزیونی بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه سریال‌های تاریخی برای مردم و مخاطبان همیشگی آن است. تجربه نشان داده، مردم مجموعه‌های تاریخی را چه براساس داستان یا شخصیتی واقعی یا براساس قصه‌ای که درباره یک برهه تاریخی باشد با علاقه و اشتیاق بیشتری دنبال می‌کنند. البته شیوه پرداختن به داستان‌ها و چگونگی تصویرسازی در زمان تاریخ مورد نظر، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در استقبال مردم از این مجموعه‌ها دارد. گویی پل زدن به گذشته و دور شدن از مباحث و مشغله‌های امروزی، برای مردم خوشایند است. تاجایی که برخی از این سریال‌های تاریخی به اثری ماندگار در ذهن مخاطب تبدیل شده‌اند. فارغ از هرگونه نقد و بررسی اینگونه سریال‌ها، پرسش این است که سریال‌های تاریخی از چه ویژگی‌هایی برای جذب مخاطب نسبت به دیگر داستان‌ها برخوردارند؟ این مجموعه‌ها در برقراری پیوند میان زمان حال و گذشته و آشناسازی نسل جوان با وقایع رخ داده در تاریخ ایران چه نقشی دارند؟

«سریال‌های تاریخی» نقش مهمی در هویت‌سازی جوامع دارند. اگر چه میزان تأثیرگذاری آنها بر جوامع مختلف یکسان نیست، اما می‌توان گفت که این دسته از آثار، بر جامعه ایرانی بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. نگاهی به آثار پرمخاطب تلویزیون نشان می‌دهد که سریال‌های تاریخی همواره جزو برنامه‌هایی با بیشترین مخاطب بوده‌اند. البته بین آثار تاریخی با سبک و محتوای مختلف، تفاوت‌هایی وجود دارد که در محل قرار قابل بحث است؛ اما آنچه مهم است شناخت علل پرمخاطب بودن آثار تاریخی و کارکردهای آن در جامعه ایرانی است. سریال‌های «روزی روزگاری»، «سربداران»، «کوچک جنگلی»، «پهلوانان نمی‌میرند»، «در چشم باد»، «پس از باران» و... از جمله آثار تاریخی هستند که بسیار مورد توجه جامعه ایران قرار گرفته‌اند و بی‌اینکه بارها تکرار آنها از تلویزیون پخش شده است اما باز هم مخاطبان از آنها استقبال می‌کنند. به نظر می‌رسد که این استقبال از سریال‌های تاریخی پدیده مهمی در عرصه رسانه است و می‌توان آن را یکی از نقاط قوت «فرهنگ بومی ایران» به حساب آورد. اما لازمه اینکه بتوان آن را «نقطه قوت» دانست، کسب شناخت درست از ابعاد موضوع است.

در جستار پیش‌رو سعی بر آن است تا درباره ابعاد سریال‌های تاریخی اعم از کارکردهای سریال‌های تاریخی و علل استقبال از آنها نکاتی ارائه شود و اهمیت جریان‌سازی پیرامون سریال تاریخی تشریح گردد مبنی بر اینکه سریال‌های تاریخی می‌توانند به‌عنوان یک «فرصت فرهنگی» در راستای افزایش ظرفیت دیپلماسی فرهنگی به کار گرفته شوند.

### گونه‌شناسی سریال‌های تاریخی

سریال‌های تاریخی را از نظر فرم و محتوا می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد: سریال‌های تاریخی مذهبی، سریال‌های تاریخی باستانی، سریال‌های تاریخی معاصر، سریال‌های تاریخی اسطوره‌ای و سریال‌های تاریخی مفهومی

### کارکردهای سریال‌های تاریخی

برای سریال‌های تاریخی می‌توان جنبه‌هایی فراتر از سرگرمی در نظر گرفت و با همین رویکرد، توان کارکردهای زیر را بر آن تعیین کرد:

### ۱. افزایش ظرفیت دیپلماسی فرهنگی

یکی از کارکردهای مهم سریال‌های تاریخی فراهم آوردن ظرفیتی برای «دیپلماسی فرهنگی» است؛ بسیاری از آثار تاریخی ساخته شده قابلیت نمایش در سایر کشورها ویژه کشورهای مسلمان را دارند. این محصولات می‌توانند هم به اقتصاد کشور کمک کنند و هم فرصتی

است؛ مخاطب امروز بیش از آنکه به دنبال اطلاعات تاریخی باشد، پذیرای روایت‌های تاریخی است. این اتفاق چند علت دارد: نخست آنکه، رسانه‌های جمعی در بین جوامع نفوذ زیادی پیدا کرده‌اند و به همین خاطر روایت‌هایی که از تاریخ ارائه می‌شود، نیز تعدد یافته‌اند. دلیل دوم، پیچیدگی های تاریخ است؛ هم مفهوم تاریخ و هم ابعاد اتفاق‌های تاریخی ویژه در قرن‌های اخیر به سبب پیچیدگی جوامع، افزایش یافته است و به همین خاطر روایت‌های متفاوتی از آنها ارائه می‌شود. بنابراین، ساخت سریال‌های تاریخی بویژه اگر با نظارت نهادهای فرهنگی حاکمیتی باشد، می‌تواند یکی از راه‌های اصلی انتقال ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی به مخاطبان به حساب آید. البته باید این روایت‌ها به گونه‌ای فکر شده و منسجم طراحی شوند.

**۶- افزایش امنیت ملی و انسجام جمعی** یکی دیگر از کارکردهای مهم سریال‌های تاریخی، افزایش «امنیت ملی» و «انسجام جمعی» است؛ سریال‌های تاریخی این خاصیت را دارند که در زمان پخش، جمع زیادی از مخاطبان را پای تلویزیون نشانند. اغلب سریال‌های مهم و جذاب تلویزیون به‌صورت خانوادگی دنبال می‌شوند؛ یعنی

**سریال تلویزیونی یوسف پیامبر در ۹۰ کشور جهان پخش شد که میزان تماشاگران این سریال حتی نزدیک به چهار میلیارد نفر برآورد شده است. یکی از کارکردهای مهم سریال‌های تاریخی فراهم آوردن ظرفیتی برای «دیپلماسی فرهنگی» است، در شرایطی که کشور از نظر محصولات اقتصادی مورد تخریب است، ساخت محصولات هنری و فرهنگی می‌تواند ظرفیتی اقتصادی به حساب آید و از انزوای ایران در جامعه بین‌الملل جلوگیری کند.**

**سریال‌های تاریخی بواسطه درک مشترکی که از تاریخ ارائه می‌دهند، نوعی فضای گفت‌وگویی جمعی و فرصت فکر کردن درباره موضوعات تاریخی را به دست می‌دهند و این گفت‌وگویی جمعی می‌تواند زمینه‌ای برای افزایش انسجام جمعی محسوب شود.**

**جامعه ایران بواسطه ارتباط‌تنگاتنگ با سنت‌ها و قرار گرفتن در آستانه تغییرات فرهنگی، نسبت به گذشته نوعی غربت و نوستالژی دارد و این نوستالژی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی مشهود است. می‌توان گفت که کلمه «گذشته» و مفهوم آن در ذهن مخاطبان ایرانی فعال است و هر چیزی که بین حال حاضر و گذشته ارتباط برقرار کند برای آنان جذابیت دارد. از همین رو است که سریال‌های تاریخی در جامعه ایران مورد استقبال قرار می‌گیرند و کارکردهای فرهنگی و هویتی متنوع و متعددی در جامعه ما دارند.**

تمام اعضای خانواده رأس ساعت پخش سریال پای تلویزیون نشسته و آن را تماشا می‌کنند. در نتیجه این سریال‌ها در مرحله نخست در مقیاس خانواده نوعی هماهنگی و انسجام به وجود می‌آورد و هله دوم در مقیاس کلان‌تر، بواسطه درک مشترکی که از تاریخ ارائه می‌دهند، نوعی فضای گفت‌وگویی جمعی و فرصت فکر کردن درباره موضوع‌های تاریخی را به دست می‌دهند و این گفت‌وگویی جمعی می‌تواند زمینه‌ای برای افزایش انسجام جمعی محسوب شود.

### ملاحظات و جمع‌بندی

در ارتباط با سریال‌های تاریخی چند نکته مهم وجود دارد که باید به آنها توجه کرد:

۱. جامعه ایران بواسطه تنگاتنگ با سنت‌ها و قرار گرفتن در آستانه تغییرات فرهنگی، نسبت به گذشته نوعی غربت و نوستالژی دارد و این نوستالژی در عرصه‌های مختلف سیاسی- اجتماعی مشهود است. به عبارت دیگر، آنچه باعث می‌شود جامعه زیاد به گذشته فکر کند،

آثار تاریخی استفاده شود تا این فرایند متوقف نشود و متکی بر اشخاص نباشد. ۳. نکته دیگر هزینه‌پر بودن سریال‌های تاریخی است؛ به‌گونه‌ای که شاید بتوان یکی از دلایل اصلی تأخیر در ساخت آثار تاریخی و اتمام آنها را محدودیت بودجه برای آنها در نظر گرفت. بحث بودجه، زمان تولید آثار تاریخی و نیز برنامه‌ریزی از جمله مهم‌ترین مسائلی است که یک سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده باید برای تولید آثار تاریخی به آن توجه کند. به همین دلیل ممکن است از نگاه برخی، ساخت مجموعه‌های تاریخی مقرون به صرفه نباشد؛ اما حقیقت آن است که کارکردهای مهم یک سریال تاریخی به اندازه‌ای مهم و قابل توجه هستند که حتی صرف هزینه‌های هنگفت برای آنها نیز کاری ضروری و لازم است (به شرط برخورداری از کیفیت مطلوب). این آثار بواسطه اقتضات فنی، معمولاً گران تمام می‌شوند و به نظر می‌رسد که باید برای تأمین اقتصاد آنها راه‌های جدیدی غیر از بودجه‌های مصوب به صدواسیماد در نظر گرفت؛ در حقیقت باید رویه‌هایی برای تأمین اقتصادی این آثار به وجود آورد به طوری که برخی از سرمایه‌های سرگردان به سمت آن هدایت شوند. بنابراین توقف تولید سریال‌های تاریخی به دلیل نبود بودجه به هیچ عنوان امری پذیرفته و موجه نیست.

۴. سریال‌های تاریخی عمدتاً نیاز به پژوهش‌های تاریخی و مفصل دارند و لازمه این پژوهش‌ها وجود آثار پژوهشی و غنای این حوزه است؛ بنابراین حتی اگر بنا بر ساخت سریال‌های تاریخی باشد و بودجه آن هم وجود داشته باشد اما تا زمانی که غنای پژوهشی در این حوزه وجود نداشته باشد، کاری از پیش نخواهد رفت. پس لازم است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری وزارت علوم، در حیطه غنای پژوهشی و مطالعاتی تاریخی براساس نظام مسائل مشخص سیاست‌هایی را در نظر گیرند و پروژه‌هایی را تعریف کنند. ۵. نکته دیگری که باید در نظر گرفت آن است که معمولاً آثار تاریخی سیاسی، کمتر از آثار تاریخی غیرسیاسی مورد استقبال مخاطبان قرار می‌گیرند و ظرفیت کمتری برای اجماع‌سازی، انسجام‌بخشی و هویت‌بخشی دارند. به همین خاطر، لازم است تا بودجه‌های مصوب برای سریال‌های تاریخی، تمرکز بیشتری بر آثار غیرسیاسی داشته باشد.

۶. نکته دیگر در ارتباط با آثار تاریخی آن است که باید بین سینما و تلویزیون تفکیک قائل شد؛ معمولاً فیلم‌های سینمایی تاریخی چندان تأثیری در جذب مخاطبان ندارند و مخاطبان محدودی نیز دارند؛ به علاوه اینکه جریان‌ساز هم نیستند و نمی‌توانند ابعاد یک موضوع تاریخی را بدرستی و کامل نشان دهند؛ در حالی که سریال‌های تاریخی از مخاطبان گسترده برخوردار هستند و جنبه هویت‌بخش و جریان‌ساز نیز دارند. به همین خاطر پیشنهاد می‌شود تا به جای تمرکز بر ساخت فیلم‌های سینمایی تاریخی، بر سریال‌های تاریخی چند قسمتی تمرکز ویژه صورت گیرد.

۷. یکی از دلایلی که سبب می‌شود سازندگان آثار هنری به سمت ساخت سریال‌های تاریخی گرایش پیدا نکنند، محدودیت ایدئولوژیک سیاسی، مذهبی و تاریخی نامعین و گاه مبهم است؛ به گونه‌ای که کارگردان‌ها و نویسنده‌ها یا احساس محدودیت می‌کنند یا پیامدهای موهومی نشان‌اند. همچنین ممکن است برای پیش‌نویس تولید و تولید، تعارضاتی بین نهادهای ناظر و عوامل فیلم به دلیل وجود برخی بخش‌ها و محتوای آن صورت گیرد؛ برای نمونه آیا درباره ایران باستان می‌توان سریال‌هایی ساخت؟ آیا برای ساخت سریال درباره دوره‌های تاریخی مختلف ملاحظات سیاسی وجود دارد؟ ملاحظات مذهبی درباره ساخت سریال‌های مذهبی کدامند؟ این سؤال‌ها تنها چند نمونه از این تعارضات هستند که در قالب هر طرح شده‌اند. پس لازم است تا این گونه تعارضات بیشتر شناخته شوند و برای آنها از قبل راهکارهایی اندیشیده شود.

۸. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، شنش میزان اثرگذاری سریال‌های تاریخی به تفکیک هر سریال و طبیعتاً به تفکیک سبک سریال و محتوای آنها است. هرچند به طور تخمینی می‌توان ارزیابی از این موضوع ارائه داد، اما لازم است درباره هر کدام از آثار به تفکیک ارزیابی دقیقی صورت گیرد و بر مبنای آنها پروژه‌های جدید سیاستگذاری و تعریف شوند. برای انجام این ارزیابی می‌توان از ظرفیت صدا و سیما، نهادهای دانشگاهی، مؤسسات فرهنگی و مؤسسات پژوهشی زیرنظر وزارت علوم استفاده کرد.

### نظریه پردازی

## پازل گمشده ما در ترسیم حکمرانی اسلامی

دکتر مهدی حسین‌زاده

جامعه‌شناس و مدیر گروه مطالعات اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران

«حکمرانی» فرایندی است که مراحل مختلف سیاستگذاری، نظارت، ارزیابی و اجرا را با درگیر کردن بازیگران متفاوت اعم از دولت، NGOها و حتی خود جامعه پیش می‌برد. بنابراین، در حیطه اجتماعی، حکمرانی بیشتر به حوزه مسائل اجتماعی مرتبط می‌شود و به نوعی عهده‌دار حرکت ما از وضع موجود به وضع مطلوب است. اما پیش از برنامه و سیاستگذاری، به «روشگری از وضعیت موجود» و «ترسیم وضعیت مطلوب» نیازمند هستیم. برای تبیین وضع موجود، نظریات مختلفی همچون نظریه «کارکردگرایی»، «تضاد»، «کنش متقابل نمادین» و... داریم. اما پرسش ما باید این باشد که کدامیک از این نظریه‌ها می‌تواند دغدغه ما در خصوص تبیین وضع موجود در حوزه حکمرانی اسلامی را پشتیبانی نظری کند؟ آیا به‌دنبال تلفیق این نظریه‌ها هستیم یا می‌کوشیم خود، نظریه‌ای برای وضعیت خودمان ارائه کنیم؟ بدون تردید، ما در حوزه نظریه‌پردازی خلأ داریم. از این رو، وقتی از حکمرانی اسلامی حرف می‌زنیم باید به این نکته توجه داشته باشیم که از مرحله تعریف آسیب‌ها و مسائل اجتماعی تا اولویت‌بندی‌ها و تبیین فرایند، نیاز به نظریه‌پردازی داریم.



ما در حوزه نظریه‌پردازی خلأ داریم. از این رو، وقتی از «حکمرانی اسلامی» حرف می‌زنیم باید به این نکته توجه داشته باشیم که از مرحله تعریف آسیب‌ها و مسائل اجتماعی تا اولویت‌بندی‌ها و تبیین فرایند، نیاز به نظریه‌پردازی داریم.

واقعیت این است که در حوزه «علوم‌اجتماعی اسلامی» در مبنای، بخیبی وارد شده‌ایم و نمره قابل قبولی می‌گیریم؛ برای مثال، در مبنای انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی حرف برای گفتن داریم اما این مبنای را به میدان جامعه‌نیاورده‌ایم و دلیل آن، عدم‌التفات به این مسائل در متن جامعه است. طبق جلسه‌ای که هیأت وزیران در سال ۹۱ داشت، ۵۶۳ منطقه، به‌عنوان نقاط محروم اعلام شد، همچنین عنوان شد که ۲۸ استان مناطق محروم دارند و تهران و قم از این ۲۸ استان خارج است، یعنی «دروازه‌غار» در این پژوهش دیده نشده است. بگذریم از اینکه وقتی به آمارهای دولتی رجوع می‌کنیم هر کدام عددی ارائه می‌کنند به‌عنوان مثال نهادها و سازمان‌هایی چون بهزیستی، کمیته‌امداد، وزارت کشور و... هر کدام، درباره اعتیاد آمار متفاوتی به‌دست می‌دهند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که در تبیین وضع موجودمان، فارغ از بخش نظری، در پیش‌انظریه (یعنی آمارها و داده‌ها هم) خلأ داریم. در این بحث، اصحاب علوم‌اجتماعی اسلامی ورود کرده‌اند و حرفی برای گفتن ندارند، به تعبیری در تبیین وضع موجودمان ادبیات ندارند.

اما وضعیت مطلوب ما کجا است؟ واقعیت این است که در ترسیم وضع مطلوب هم با مشکلاتی مواجه هستیم. برای مثال، وقتی از اهالی علوم‌اجتماعی اسلامی در خصوص «وضعیت مطلوب» سؤال می‌کنیم گاهی از «حیات طیبه» حرف می‌زنند اما هیچ‌چک مشخصاً ترسیم نمی‌کنند که حیات طیبه اساساً چگونه محقق می‌شود؟ چگونه باید آن را اجرائی و عملیاتی کرد؟ چه شاخص‌هایی دارد؟ ما به اندیشمندانی نیاز داریم که این ایده‌ها و مبنای را به شاخص تبدیل کنند، همچنین ساز و کار این فرایند را هم مشخص کنند.

یکی از مشکلات ما در ترسیم وضع مطلوب، فقدان مفهوم است. مفاهیم ما استیجاری است، در علوم اجتماعی با گرایش غربی، یکسری مفاهیم وجود دارد که این مفاهیم برساختی است. مادامی که همه مفاهیم ما وارداتی است، نمی‌توانیم تصویر درست و شفاف از وضعیت مطلوب‌مان ارائه کنیم.

اصحاب علوم‌اجتماعی اسلامی، آنان که دغدغه‌مند حکمرانی اسلامی هستند، باید به حوزه مفهوم‌سازی ورود کنند. دانشگاه شاهد در این زمینه کارهای ارزشمندی را شروع کرده است که البته کافی نیست باید «حکمرانی اسلامی» به «گفت‌مان» بدل شود و در بدنه نظام و در میان کسانی تزریق شود که دغدغه‌مند نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی هستند.

**\*مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر مهدی حسین‌زاده است که در کنفرانس «سیاستگذاری عمومی و حکمرانی اسلامی» در محل همایش‌های بین‌المللی صداوسیما ارائه شد.**